

نامه‌ای به یزدانگرد

درآمدی بر پاپیروسهای پهلوی

تورج دریایی

در زمان سلطنت خسرو پرویز در قرن هفتم میلادی، سپاه ساسانی توانست به پیروزی‌های شگفت‌انگیزی دست یابد. از سال ۶۱۹ میلادی تا ۶۲۹ میلادی ساسانیان مصر را تسخیر کرده و حتی قسمتی از لیبی در غرب و نوبی در جنوب را که به کوش معروف بود، تحت کنترل درآوردند.^۱ محمد بن جریر طبری اطلاع می‌دهد که در زمان خسرو پرویز سواران او آفریقا را تسخیر کرده بودند.^۲ منابع دیگری نیز موجود است که دلالت از این حکومت موقتی ایرانیان در آفریقا می‌کند. برای مثال کتاب پهلوی شهرستانیای ایرانشهر می‌گوید که آفریقا (پهلوی frīgā) جزئی از ایرانشهر به شمار می‌رفت. ذکر این موضوع به‌طور حتم به سبب حضور ساسانیان در قرن هفتم در این قاره بوده است.^۳ در متون حماسی نیز این خاطره بازمانده و ممکن است که قسمتی از کتاب حماسی کوش‌نامه نیز الهامی از این دوره باشد.^۴ منابع دیگری که از حضور ساسانیان در مصر خبر می‌دهند منابع قبطی است که دیدی کاملاً منفی نسبت به ساسانیان دارند. در این متون سخن از کشتار مردم و تاراج اشیای کلیساهای

1. R. Altheim Stiehl, "The Sasanians in Egypt. Some Evidence of Historical Interest," *Bulletin de la Société d'archéologie Copte*, vol. 31, 1992, 92.

2. Tabari, *The Sasanids, the Byzantines, the Lakhmids and Yemen*, translated by C.E. Bosworth, Vol. V, New York University Press, 1999, 376.

3. T. Daryace, *Sahrestānīhā ī Erānšahr, A Middle Persian Text on Late Antique Geography, History and Epic*, Mazda Publishers, 2002, passage 33, 19.

۴. کوش‌نامه، سروده حکیم ایرانشاه بن ابی‌الخیر، به کوشش جلال متینی، تهران، ۱۳۷۷.

باشکوه قبطی می‌رود.^۱ دلیل دیگر این دید منق، بردن صلیب مقدسی که حضرت عیسی مسیح بر آن مصلوب شده بود توسط ساسانیان، از اورشلیم به ایران بوده است. برای همین، متون قبطی ایرانیان را مانند شیاطینی که به شهر بیت المقدس سرازیر شده و آن را به آتش کشیده و مسیحیان را قتل عام کرده تصویر می‌کنند. اما پس از چند سال ساسانیان با استقرار خود در مصر اوضاع بهتری از گذشته بوجود آوردند. در زمان حکومت رومیان بر مصر نیز، قبطیان تحت فشار بودند چون آنها منوفزیت^۲ بودند و عقیده‌شان با مسیحیت رومی متفاوت بود، ولی ساسانیان براحتی اجازه دادند که مسیحیت قبطی در مصر اشاعه پیدا کند.

در این مقاله به افتخار دانشمند و دوست فاضل گرامی دکتر فتح الله مجتباتی مایلیم درباره منابع پایروس به زبان پهلوی از زمان اشغال سپاه ساسانی در مصر مطالعه‌ای انجام دهم. چندی از این پایروسها به سرداری به نام یزدانگرد نوشته شده که یکی از آنها در این مقاله بررسی می‌شود. تا آنجایی که بنده اطلاع دارم در ایران و به زبان فارسی تا به حال درباره این متون مطالعه دقیق انجام نشده و مقاله‌ای هم درباره این پایروسها و اهمیت آنها نوشته نشده است، در صورتی که این متون اطلاعات جالبی را درباره ایرانیان در قرن هفتم میلادی به ما می‌دهند. امید است که این مقاله توجه محققان ایران شناس پارسی زبان را به این متون جلب کند.

تاریخچه مطالعه پایروسهای پهلوی

در سال ۱۸۷۸ شرق شناس نامی ادوارد زاخانوف^۳ مقاله‌ای نوشت که برای اولین بار خبر از وجود پایروسهای پهلوی در مصر داد. این پایروسها در همان سال توسط کنسول آلمان از قاهره به موزه برلین انتقال داده شد و در دست شرق شناسان قرار گرفت. این متون پهلوی همراه پایروسهای دیگر به زبانهای عربی، قبطی و یونانی در فیوم مصر بدست آمدند، ولی اکثر آنها در حفاری‌های غیر مجاز یافت شده بودند و به همین دلیل از مکان اصلی آنها بی اطلاع هستیم. زاخانوف فقط این نظریه را داده بود

1. E. Revillout, "Textes coptes extraits de la correspondance de St. Pesunthius" *Revue égyptologique*, vol. 9, 1900, 133-179; J. Drescher, "A Widow's Petition" *Bulletin de la société d'archéologie Copte*, vol. 10, 1914, 91-96.

2. monophysite 3. E. Sachaev

که پایروسهای پهلوی منطقه فیوم بوده است. اکنون می‌دانیم که متون سالهای ۶۲۸-۶۱۹ میلادی عبارت است از: رسیدن افراد مختلفی که فرماندهان پاول هورن بود که در قرون حتم کوتاهی آن به خلافت توجه کرد و در سال ۱۹۶۹-۱۹۰۲ میلادی پهلوی همراه با اطلاعاتی در هسن در اثر مهم خود درباره طریقه قرائت و به جهان ایران شناسی و زیبایی سنت عکس در سالهای ۱۹۵۰ یکی از پایروسها را به چلبه به همراه نوشته‌های پهلوی بودند، به صورت عکس

... für ägyptische Sprache
... 50-52, 609-612.
... in den königlichen Museen zu
... *Revue égyptologique*, vol. 241, 1953.
... *Revue égyptologique*, vol. IV.

که پایروسیهای پهلوی به احتمال زیاد مدارک یا آرشیو شخصی یک خانواده در منطقه فیوم بوده است.^۱

اکنون می‌دانیم که متون پایروس پهلوی بازمانده مدارک زمان اشغال مصر بین سالهای ۶۲۸-۶۱۹ میلادی به وسیله سپاه ساسانی هستند. محتوای این متون عبارت است از: رسیدهای آذوقه برای گروهانهای مختلف و اطلاعات نظامی و نام افراد مختلفی که فرمانده یا سرداران ارتش ساسانی بوده‌اند. به غیر از زاخائو، فقط پاول هورن بود که در قرن نوزدهم مقاله‌های کوتاهی در این زمینه نوشت^۲ که به‌طور حتم کوتاهی آن به خاطر دشواری قرائت این متون بوده است. اولاف هنسن^۳ (۱۹۶۹-۱۹۰۲ میلادی) اولین محقق بود که به‌طور جدی به پایروسیهای پهلوی توجه کرد و در سال ۱۹۳۸ کتابی به چاپ رساند حاوی شصت و شش پایروس پهلوی همراه با اطلاعاتی در مورد وجود پایروسیهای دیگر در موزه‌های اروپا.^۴ هنسن در اثر مهم خود پایروسیهای موجود را آوانویسی و به آلمانی ترجمه کرد و دربارهٔ طریقهٔ قرائت و مشکلات نوشتاری پایروسیهای پهلوی، اطلاعات پراهمیتی به جهان ایران‌شناسی داد. چاپ عکس پایروسها در پایان این کتاب به همان دقت و زیبایی سنت عکسبرداری و کتاب‌سازی در اوائل قرن بیستم در اروپا است. در سالهای ۱۹۵۰ یکی از عالمان زبان و ادبیات پهلوی، یعنی دومناش، تعدادی از این پایروسها را به چاپ رسانید،^۵ و سپس چهار سال بعد، خود او تمام پایروسها را به‌همراه نوشته‌های پهلوی‌ای که بر روی تکه‌سفالهایی که در شهر ری پیدا شده بودند، به‌صورت عکسی به چاپ رسانید.^۶ در سال ۱۹۶۱ پریخانیان در روسیه خبر

1. E. Sachau, "Fragmente von Pahlavi-Papyri aus Aegypten," *Zeitschrift für ägyptische Sprache und Altertumskunde*, vol. 16, 1878, 11.
2. P. Horn, "Zur Entzifferung der Pehlevi Papyrus," *ZDMG*, vol. 43, 1889, 50-52, 609-612.
3. O. Hansen
4. O. Hansen, *Die mittelpersischen Papyri der Papyrussammlung der Staatlichen Museen zu Berlin*, Berlin, 1938.
5. J. de Menasce, "Recherches de papyrologie pehlevie," *Journal Asiatique*, vol. 241, 1953, 185-196.
6. J. de Menasce, *J. Corpus Inscriptionum Iranicarum, Part III: Pahlavi Inscriptions*, vol. IV, Ostraca and vol. V, Papyri, London, 1957.

از وجود کلکسیون پاپیروسهای پهلوی موجود در موزه دولتی هنرهای زیبای پوشکین داد و چهارده عدد از آنها را به چاپ رسانید.^۱ لازم به یادآوری است که طولانیترین متن پاپیروس پهلوی با بیست و هفت سطر در این کلکسیون است و اینکه دیگر پاپیروسهای این مجموعه هرگز چاپ نشده‌اند. از اواخر دهه ۱۹۶۰ تاکنون، دانشمندی آلمانی به نام دیتز وبر^۲ بیشتر وقت خود را وقف مطالعه این متون کرده است و به حق استاد این متون است.^۳ این متون شامل نام تعداد زیادی از اشخاص مانند یزدانگرد، یزدان انوش بخت است که می‌تواند نشان‌دهنده دین ایرانیان ساکن مصر، یعنی گروه آنها به دین مزدیسنا، باشد. البته در این متون به چند نام دیگر مانند ساموئل و ابراهیم نیز برخورد می‌کنیم که نام بازرگانان احتمالاً یهودی یا مسیحی است که یا ایرانی بوده‌اند یا با ایرانیان همکاری می‌کرده‌اند.^۴

ساختار نامه‌ها به این صورت است که: (۱) سرآغاز نامه، که به شخص بخصوصی که معمولاً با عنوان «سرور»^۵ مورد خطاب قرار گرفته نوشته شده و به او درود و نماز برده شده است. (۲) متن نامه، که بیشتر دستور آذوقه و اجازه رفت و آمد است، اما مطالب دیگری نیز که گاه در آن عنوان می‌شود گنجانده شده است (۳) و در پایان نامه

1. Perixanjan, A. G. "Pexlevijskie papirusy sobranija GMIH imeni A. S. Puškin." *VDI*, 1961, vol. 3, 78-93.

2. D. Weber

۳. برای مثال بنگرید به این مقالات او:

D. Weber, "Einige Göttinger Pahlavi-Fragmente," *Indogermanische Forschungen*, vol. 74, 1969, 32-38; "Einige Beobachtungen an Pahlavi Papyri," *Acta Orientalia*, vol. 35, 1973, 83-88; "Zur Interpretation der Pahlavi Ostraca," *Mémorial J. de Menasce*, Louvain, 1974, 227-233; "Die Pehlevifragmente der Papyrussammlung der Österreichischen Nationalbibliothek in Wien," *Festschrift Erzherzog Rainer*, Wien, 215-228; "Pahlavi, Papyri und Ostraca: Stand der Forschung," *Middle Iranian Studies, Proceedings of the International Symposium organized by the Katholieke Universiteit Leuven 1982*, Leuven, 1984, 25-43; "I in bisher unbekannter Titel aus spätsassanidischer Zeit?" *Corolla Iranica, Papers in Honour of Prof. Dr. David Neil MacKenzie on the occasion of his 65th Birthday*, Peter Lang, Frankfurt and Main, 1991, 228-236.

4. D. Weber, "Einige Beobachtungen an Pahlavi Papyri" *Acta Orientalia*, vol. 35, 1973, 83-88.

5. *awadān*

دوباره به مخاطب نماز و در
سخت‌ترین نوشته‌های پهلوی
فارسی در قرن هفتم میلادی
فارسی در قری که کمتر
نظر دستوری نیز پاپیروس
طریقه نوشتاری معمول
موضوع «نماز بردن» در
پهلوی با هزوارش «سگ»
نماز بردن در دوره ساسانی
پانزدهم این متن پهلوی
در برابر او چنین کردند
بردند.^۲ هرودوت مورخ
درباره سنت ملاقات پارسی

زمانی که پارسیان به
درجه برابر هستند به
اگر یکی از آنها از
لحاظ طبقاتی بسیار

پس می‌توان تداوم این
هخامنشیان تا اواخر در

Paleography, رسم الخط

نوشته‌های پاپیروس
است که می‌تواند
پاپیروسهای پهلوی

and (XV. 9)

۳. هرودوت، کتاب اول

دوباره به مخاطب نماز و درود برده شده. از لحاظ نوشتاری، متون پاپیروس سخت‌ترین نوشته‌های پهلوی هستند و نمودار سیستم نوشتاری متداول ایرانیان به فارسی در قرن هفتم میلادی است. از این بابت این متون برای مطالعه تحول تاریخ زبان فارسی در قرنی که کمتر سندی در مورد آن وجود دارد بسیار مهم هستند. همچنین از نظر دستوری نیز پاپیروسها با کتب پهلوی تفاوت‌هایی دارد ضمن آن‌که نشان‌دهنده طریقه نوشتاری معمول و متفاوت از روش کتابت متون مزدیسنايي است.

موضوع «نماز بردن» در این نامه‌ها مکرراً به چشم می‌خورد که در متون کتبی پهلوی با هزوارش «سگده»^۱ که برابر سجده عربی است نوشته می‌شود. برای ما طرز نماز بردن در دوره ساسانی از کتاب کارنامه اردشیر بابکان روشن است. در فصل پانزدهم این متن پهلوی آمده است که بزرگان پس از ورود به دربار اردشیر بابکان در برابر او چنین کردند: «آنها پیش اردشیر شدند و بر روی (صورت) افتادند و نماز بردند.»^۲ هرودوت مورخ یونانی که در قلمرو شاهنشاهی هخامنشی به دنیا آمده بود درباره سنت ملاقات پارسیان با یکدیگر چنین می‌گوید:

زمانی که پارسیان در راه با یکدیگر ملاقات می‌کنند، می‌توان فهمید که آنها از طبقه درجه برابر هستند. به جای اینکه با کلام به هم سلام کنند، لبان یکدیگر را می‌بوسند، ولی اگر یکی از آنها از طبقه پایینتر باشد روی یکدیگر را می‌بوسند، و اگر یکی از آنها از لحاظ طبقاتی بسیار پایینتر باشد، او در جلوی دیگری می‌افتد و به او نماز می‌برد.^۳

پس می‌توان تداوم این سنت نمازگزاری و سجده کردن را در ایران باستان از زمان هخامنشیان تا اواخر دوره ساسانی مشاهده کرد.

Paleography، رسم الخط و نکات دستوری

نوشته‌های پاپیروس‌های پهلوی نمودار نوشتار روزمره ایرانیان قرن هفتم میلادی است که می‌تواند ساختار دستوری و نوشتاری آن زمان را روشن کند. در حقیقت پاپیروس‌های پهلوی به ما نشان می‌دهند که از لحاظ دستوری و نوشتاری چه

1. OSGDII 2. *ō pēs ardasēr sud hēnd ud pad rōy ōbast ud namāz burd* (XV, 9)

۳. هرودوت، کتاب اول، ۱۳۴.

تحولاتی بین دوره کتیبه‌های قرون سوم و چهارم و متون کتی مزدیسناهی قرن نهم بوجود آمده است. تفاوت مهمی که بین پایروسها و دیگر متون پهلوی وجود دارد این است که این پایروسها توسط نظامیان نوشته شده‌اند و برای همین اطلاعات خوبی درباره رسم الخط و اصول نوشتاری روزمره مردم به ما می‌دهند. پایروسها با خطی نه چندان خوانا نوشته شده‌اند و برای همین از نظر قرائت مشکلترین متون پهلوی بازمانده‌اند. کلمات گاهی به صورت نامتناسبی به هم متصل شده‌اند و گاه به سبب تکه‌تکه بودن پایروسها خواندن آنها ناممکن است. بعضی کلمات به صورت اختصار نوشته شده‌اند که متداولترین آنها در این نامه‌ها عبارت‌اند از کلمه «درود» با هزوارش SIM و کلمه «نماز» که به اختصار به صورت nē نوشته شده است، به همین خاطر برای خواندن این متون مدت زمانی برای آشنایی با رسم الخط آن لازم است.

نامه‌ها

نامه‌های استفاده شده می‌توانند نشان‌دهنده مذهب نویسنده و همکاران یا مخاطبان آنها باشند. باید به یاد داشته باشیم که یک مسیحی یا کلیمی نیز می‌توانسته نام ایرانی زرتشتی اتخاذ کند همان‌گونه که نویسندگان تلمود در فلسطین درباره کلیمیان ایرانی همین موضوع را اظهار می‌کنند. اما نامه‌های ایرانی مندرج در پایروسها در اصل مزدیسناهی هستند. برای مثال یکی از سرداران عالی‌رتبه مردی است به نام یزدانگرد که در بسیاری از این نامه‌ها از او یاد شده و در این مقاله به آن توجه شده است. اما در این میان به نامه‌های دیگری مانند شاموئل نیز برمی‌خوریم که در یکی از پایروسها از او یاد شده. نامه‌های شهرهای مصر به همان صورت یونانی آنها، اما به خط پهلوی، نوشته شده‌اند. به همان صورت سیستم اندازه‌گیری ایرانی و یونانی نیز برای میزان آذوقه سپاه ساسانی ذکر شده است.

تاریخ‌گذاری / تقویم

درباره تاریخ این نامه‌ها باید گفت که نام روزها و ماهها نشان‌دهنده استفاده از تقویم مزدیسناهی است، اما بندرت به تاریخ‌گذاری دقیقی در این نامه‌ها برخورد می‌کنیم. یک استثنا بر روی پارچه‌نوشته‌ای از مصر به خط پهلوی است که از تاریخ «روز

اردیبهشت و ماه تیر در سال سپتامبر سال ۶۲۶ میلادی.

متن مورد مطالعه

در این قسمت ترجمه یک یا فرمانده نظامی ایرانی به نام می‌زیسته و جزو معدود افراد داریم. با مطالعه این اسناد می‌شویم. در این نامه‌ها او در میان سربازان ایرانی نشان‌دهنده فرهنگ نام‌نویسی زندگی خود است. روش و سپس آوانویسی، ترجمه اولین بار این متن توسط پایروس شماره ۸۸۰۴ پایروس را مورد مطالعه دقیق

۲. دوبلوا در بررسی کتاب

Palmyrene Inscriptions. Vol. IV.

Palmyrene Inscriptions, in Bulletin of the

۴. درباره نام‌نویسی در

Journal of Oriental Studies.

Zeitschrift für Assyriologie und Orientalischer Sprache.

Journal of Internationalen

اردیبهشت و ماه تیر در سال ۳۷^۱ صحبت می‌کند که مترادف است با هجدهم سپتامبر سال ۶۲۶ میلادی، در زمان سلطنت خسرو پرویز.^۲

متن مورد مطالعه

در این قسمت ترجمه یک پاپیروس پهلوی را می‌آوریم که نامه‌ای است که به یک فرمانده نظامی ایرانی به نام یزدانگرد نوشته شده است. یزدانگرد در قرن هفتم می‌زیسته و جزو معدود افراد غیر سلطنتی است که ما درباره او مدارکی در دست داریم. با مطالعه این اسناد ما با کار و وظایف روزمره یک سردار ایرانی آشنا می‌شویم. در این نامه‌ها او با عنوان «سرور»^۳ خطاب شده که نشان‌دهنده مقام مهم او در میان سربازان ایرانی در مصر بوده است. نکته مهم دیگر این است که این اسناد نشان‌دهنده فرهنگ نام‌نویسی^۴ و سوادآموزی ایرانیان در قرن هفتم دور از محل زندگی خود است. روش کار این چنین خواهد بود که نخست عکس متن آورده شده و سپس آوانویسی، ترجمه و سرانجام تعلیقاتی بر متن آورده خواهد شد.

اولین بار این متن توسط هنسن مورد مطالعه قرار گرفت و در کتابش به‌عنوان پاپیروس شماره ۸۸۰۴ با نمرة ۶ به چاپ رسید.^۵ سپس دیتز ویر در کتاب خود این پاپیروس را مورد مطالعه دقیق قرار داد^۶ و دوباره آن را در مقاله‌ای به چاپ رساند.^۷

1. *rōz ardwašt ud mäh fir abar sāl 37*

۲. دوبلوا در بررسی کتاب ویر:

D. Weber, *Corpus Inscriptionum Iranicarum. Part III: Pahlavi Inscriptions. Vol. IV: Ostraca and Vol. V: Papyri. Texts I: Ostraca, Papyri und Pergamente*, in *Bulletin of the School of Oriental and African Studies*, vol. 56, no. 2, 1993, 377.

3. *xwadāy*

۴. درباره نام‌نویسی در دوران ساسانی بنگرید به:

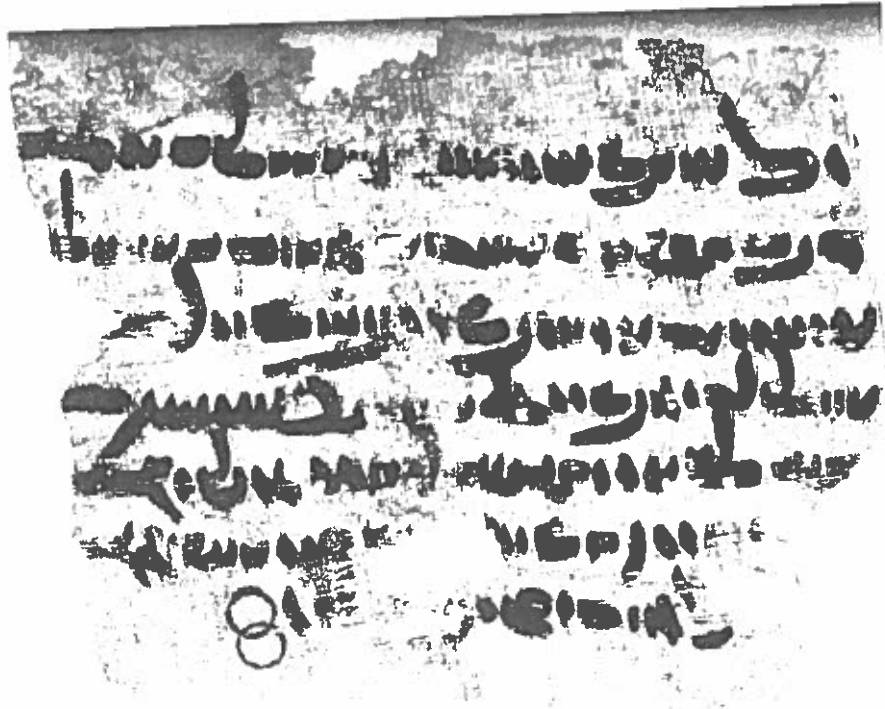
R. C. Zaehner, "Nāmāk-nīpesišnīh", *Bulletin of the School of Oriental Studies*, University of London, Vol. 9, No. 1, 1937, 93-109

5. Hansen, *op. cit.*, 24-25.

6. D. Weber, *Berliner Papyri, Pergamente und Leinenfragmente in mittelpersischer Sprache*, *Corpus Inscriptionum Iranicarum*, London, 2003, 25-27.

7. D. Weber, "The Vienna Collection of Pahlavi Papyri," *Akten des 23. Internationalen Papyrologenkongresses, Wien, 22-28. Juli 2001*, 2007, 736-737.

تنها دیتر وبر توانسته متن را قرائت کند و من هم قرائتم مبتنی همین کار اوست. همچنین تمام تعلیقات و تصحیحات کار وبر است و من از او پیروی کرده‌ام. اما از لحاظ اهمیت تاریخی آن و برخی کلمات سعی خواهم کرد که توضیحات جدیدی عنوان کنم.



ō yazdānayıd yazdāngird namāz gyān-bān husrawih drōd
was ābādānih aswār ī az gund ī aswārāndārān
pusānweh pāymār-baxtag xwāstan rāy
pad arz 20 ud az baxtag mar ī drahm 38 ī
jaw 40 ardāb ud may 60 lagīnag padirēnd
[ud pad] makōg-ē nihfēnd.. ud wijdar-nāmag stādān
[rāy] ō xwadāy nāmag xwāst

به یاد یزدان به یزدان
کامیابی بسیار (اسم)
(بنام) یوستلو، خوراسان
۲۰ به تعناک ۳۸ دره
۴۰ ارداب و ۶۰ لگن
و بر روی کتی تباد
به این سبب از سرور
این نامه به خوبی خود
نظامی، اداری و اقتصادی
اول این متن پایروس
یزدان را به جای آوردن
نیز وجود داشته بسیاری
پایکولی نوسه و مشک
که این عبارت از ایران
یعنی جمع آن بلکه به صورت
یزدانگیره سرداری
دیگر نامه‌ها نیز از او یاد
آذوقه و سربازان گرفته
که ما راه به یاد است
اسلامی می‌اندازد این
به صورت لشکر مخصوص
حضور چند سواران
ششم میلادی به
Ferdinand: Etudes
Guriel, R.
and Paganwā.

به یاد یزدان، به یزدانگرد جان‌بان، نیک‌نام، نماز، درود (و)
 کامیابی بسیار (می‌برم). به سبب اینکه سوار (ی) از لشکر سوارداران،
 (بنام) یوسانوه خواستار بخشی از واگذاری، به ارزش
 ۲۰ به تعداد ۳۸ درهم از آن (مقدار) جو،
 ۴۰ ارداب و ۶۰ لگن شراب (است)،
 و بر روی کشتی نهد و گذرنامه ستاند،
 به این سبب از سرور نامه خواست

این نامه به خودی خود حاوی اطلاعات بسیار ارزنده‌ای دربارهٔ القاب، مسائل نظامی، اداری و اقتصادی قرن هفتم است که در اینجا به آنها توجه خواهد شد. خط اول این متن پاپیروس حاوی خوشامدگویی در این‌گونه نامه‌هاست. نام خدا یا یزدان را به جای آوردن به نظر می‌رسد که سنتی است قدیمی و قبل از اسلام در ایران نیز وجود داشته. بسیاری از متون کتبی مزدیسنا مانند کارنامهٔ اردشیر بابکان و کتیبهٔ پایکولی نرسه و مشکین‌شهر با کلمات «به نام یزدان» آغاز می‌شوند.^۱ به نظر می‌رسد که این عبارت از ایران به فرهنگ اسلامی انتقال پیدا کرده، اما نه به صورت «ایزدان» یعنی جمع آن بلکه به صورت بسم الله استفاده شده است.^۲

یزدانگرد سرداری است ایرانی و یکی از بلندپایگان سپاه ساسانی است که در دیگر نامه‌ها نیز از او یاد شده و دیگر سرداران ایرانی از او اجازه برای جابه‌جا کردن آذوقه و سربازان گرفته‌اند. در خط دوم به نام لشکری به نام سوارداران برمی‌خوریم که ما را به یاد اهمیت سواران در متون عربی در اواخر دورهٔ ساسانی و دوران فتوح اسلامی می‌اندازد. این سواران در دوران خسرو انوشیروان به قدرت رسیدند^۳ و به صورت لشکر مخصوصی در زمان خسرو پرویز به تمام خاورمیانه وارد شدند. حضور جند سواران در مصر نشانی از این تحول تاریخی در ارتش ساسانی از قرن ششم میلادی به بعد است. این سواران به صورت گروه‌های مستقل یا با همکاری با

1. "pad nām ī yazdān"

2. Ph. Gignoux, "Pour une origine iranienne du bismillah," *pad Nām ī Yazdān: Études d'épigraphie, de numismatique et d'histoire de l'Iran ancien*, eds. Ph. Gignoux, R. Curiel, R. Gyselen, Cl. Herrenschmidt, Librairie C. Klincksieck, Paris, 1979, 163.

3. M. Zakeri, *Sāsānid Soldiers in Early Muslim Society. The Origins of Ayyūbān and Fīrūwān*, Harrassowitz Verlag, Wiesbaden, 1995, 92.

ارتش مسلمان در سوریه، عراق و ترکیه مستقر شدند و دارای مقامی والای بودند و رتبه خود را از دست ندادند.

پوسانوه نام خاص است و در نامه‌های دیگر نیز از او یاد شده است که خواستار آذوقه برای لشکر خود است. در اینجا ما طریقه اندازه‌گیری برای جو و شراب را در این متون می‌بینیم. ارداب واحد اندازه‌گیری معمول خاورمیانه است و در این پایروس هم از آن استفاده شده.

از همه جالبتر کلمه لگن^۱ است که برای اندازه‌گیری روغن^۲، شراب سفید^۳ و سرخ^۴ استفاده شده است. فیلیپ زینیو که بر روی چرم‌نوشته‌ها و پایروسها کار کرده وجه اشتقاق کلمه لگن را مجهول می‌داند.^۵ اونگلس و تئیس بدرستی این کلمه را به *λεξινη* ربط داده که در لاتین به صورت *lagena* آمده است.^۶ اما فکر می‌کنم که در اینجا می‌باید فرم اکدی آن را نیز به یاد بیاوریم که در بین‌النهرین مقدار اندازه‌گیری آبجو و نوشیدنی‌های الکلی بوده و در متون اکدی به صورت *ligunu / liginu* آمده.

آخرین کلمه قابل توجه کلمه «گذرنامه»^۷ است که نشان دهنده قوانین اداری و نظامی ساسانی است. در نامه دیگری تاجری نیز خواستار گذرنامه‌ای است تا بتواند اجناس خود را در مصر جابه‌جا کند.^۸ قابل توجه است که در دوران هخامنشیان نیز برای عبور از جاده سلطنتی لازم می‌بود که از دولت گذرنامه‌ای دریافت شود تا به مقصد برسند.

۱. *lugēnag*؛ برای ذکر این کلمه بنگرید به این پایروسها: 0.5; 29.2; 4.5; 11.14; 18.20; 24.31; 34.35 و در کتاب ویر: 21.3; 69.1; 67 V2

2. *rōyn* 3. *may ī spēd* 4. *may ī sux*

5. Ph. Gignoux, "Matériaux pour une histoire du vin dans l'Iran ancien." *Matériaux pour l'histoire économique du monde iranien*, eds. R. Gyselen and M. Szuppe, Paris, 1999, p. 43.

6. E. Venetis, "The Sasanian Occupation of Egypt (7th Cent. A.D.), according to some Pahlavi Papyri Abstracts," *Graeco-Arabica*, vols. 9-10, 2004, ft. 14.

7. *widar nūmag*

8. J. Harmatta, "Laisser-passer en Égypte à la fin de l'antiquité," *Studia Aegyptiaca*, vol. 1, 1974, pp. 165-175.

حشہ نامہ در تفسیر فتح اللہ محتسب

بہ کوشش
علی اشرف صادقی
ابوالفضل خطیبی



ہرمس